

بررسی علل مهاجرت روستاییان و پیامدهای حاصل از آن در شهرستان بوکان (مورد: دهستان ایل گورک)

ژیلا سجادی

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

علی شمس‌الدینی^۱

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ایران

خضر آدم

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۸/۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۵/۲۹

چکیده

امروزه با تحولات گسترده اقتصادی- اجتماعی و تکنولوژیک از جمله در زمینه ایجاد شبکه‌های ارتباطی؛ روابط شهر و روستا بسیار گسترده و متنوع شده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد این روابط جریان جمعیت یا عبارت دیگر مهاجرت از روستاها به سمت شهرها و بالعکس می‌باشد. این پژوهش که با رویکردی کاربردی و با انجام عملیات پیمایشی انجام گرفته است، هدف از آن بررسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی دهستان ایل گورک از توابع شهرستان بوکان و نیز پیامدهای فضایی حاصل از اینگونه مهاجرت‌ها در روستاهای مورد مطالعه می‌باشد. بر این اساس تعداد ۹۰ خانوار مهاجر که به شهرهای منطقه کوچ نموده‌اند، انتخاب و مورد پرسشگری واقع شده‌اند. برای بررسی پیامدهای مهاجرت نیز سه روستای قزل‌گنبد، گلوان‌سفلی و قروچای علیا انتخاب و وضعیت روستاها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج بیانگر تأثیرگذاری محدودیتهای طبیعی و نیز مسایل اقتصادی- اجتماعی روستاها در افزایش مهاجرت‌های روستایی به طور هماهنگ است. گرچه ۶۵/۵ درصد از جامعه نمونه نقش نارساییهای اقتصادی موجود در روستاها را مهم‌ترین عامل در مهاجرت خود بیان داشته‌اند. در این راستا مهاجرت‌رستی روستایی، بافت جمعیتی ناحیه را به هم زده است. همچنین مهاجرت افراد در سنین کار، جمعیت روستاهای دهستان ایل گورک را به صورت دو قطبی درآورده است. این کاهش نیرویهای مولد در روستاها در گذر زمان سبب تغییر در الگوی کشت، پایین آمدن راندمان تولید، درآمدزایی و به تبع افزایش نسبی فقر در روستاهای دهستان گردیده است. به لحاظ فرهنگی نیز رفتار مهاجرین سبب تغییر و دوگانگی نسبی در فضای ارزشی روستاییان و به هم زدن بافت سنتی اجتماعی روستاهای مورد مطالعه شده‌اند.

واژگان کلیدی: روستا، مهاجرت روستایی، پیامدهای فضایی، دهستان ایل گورک، بوکان.

بیان مسأله

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ از مجموع ۷۲/۲۵۰ میلیون نفر جمعیت کل کشور، ۴۹/۶۴۰ میلیون نفر در شهرها و ۲۲/۶۱۰ میلیون نفر در روستاها ساکن هستند که این جمعیت در سال ۱۳۷۵ به ترتیب ۳۶/۸۱۸ میلیون نفر و ۲۳/۲۳۷ میلیون نفر بوده است. کاهش جمعیت روستایی علیرغم مولید بدین معناست که روستائیان طی ۱۰ سال گذشته به شهرها مهاجرت نموده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). همچنین در سال ۱۳۸۵ کل جمعیت جابجا شده کشور بالغ بر ۱۲۱۴۸۱۴۸ نفر یوده است که از این تعداد ۸۹۹۹۷۰۹ نفر متعلق به مهاجرت‌های بین شهری و ۳۱۴۸۴۳۹ نفر مربوط به مهاجرت‌های روستا-شهری بوده است. در این میان روستائیان به عنوان فقیرترین اقشار جامعه به ویژه در کشورهای درحال توسعه که به دلیل شرایط سیاسی، اقتصادی-اجتماعی و همچنین وجود نابرابری‌های فضایی حاکم بر عرصه‌های سکونتگاهی، سالیان متمادی با فقر و مشکلات معیشتی-رفاهی روبه‌رو بوده‌اند، با افزایش جریانات ارتباطی روستایی-شهری در اینگونه کشورها و نیز مقایسه وضعیت زندگی خود با دیگر افراد آن جامعه (به ویژه گروه‌های شهرنشین) در تلاش به منظور تغییر این وضعیت ناخوشایند و همچنین کسب رفاه، آسایش و خوشبختی بیشتر رهسپار شهرها و دیگر مراکز جمعیتی می‌شوند (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۸۹، ۸۸).

در این راستا علل مهاجرت‌های روستایی متناسب با بیکاری، فقر عمومی، امکانات شهری، کسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی، رشد جمعیت و محدودیت در فعالیتهای کشاورزی، تفاوت درآمدی بین ساکنان شهری و روستایی ارتباط معنایی دارد (ربانی، ۱۳۸۱: ۱۷۰) و علت‌های مهاجرت را نمی‌توان از آثار آن جدا کرد؛ چون از یک طرف مهاجرت معلول توسعه نابرابر و از طرف دیگر عامل گسترش توسعه نابرابر است (ایمان، ۱۳۶۸: ۶۴۲). از طرف دیگر جابجایی جمعیت از مکانی به مکانی دیگر نه تنها الگوهای جدیدی از توزیع، تراکم، ساختار و حرکات جمعیت را در مبدأ و مقصد ایجاد می‌کند، بلکه ساختار فضائی را در این دو کانون سکونتی نیز متأثر می‌سازد (فرید، ۱۳۷۹: ۳۳۲-۳۳۰). اثرات عوامل جمعیتی بر روی عوامل اقتصادی، اجتماعی و تأثیرات متقابل می‌تواند انگیزه مهاجرت را به صورت داخلی و خارجی تبیین نماید. به دیگر سخن تغییرات و تحولات اقتصادی-اجتماعی در بستر جغرافیای خود تحت تأثیر سیاست‌های ملی موجب جابجایی جمعیت‌ها شده و همین حرکات و جابجاییها به نوبه‌ی خود دگرگونی‌هایی در اوضاع اقتصادی و شرایط زندگی اینگونه جوامع به وجود می‌آورد (جوان، ۱۳۸۰: ۴۶).

در این بین مهاجرت روستائیان از یک سو اقتصاد روستایی را از نیروی انسانی لازم جهت ادامه فعالیت‌های تولیدی کشاورزی محروم کرده است و با بیرون بردن قشرهای جوان و فعال، ساختمان اجتماعی روستا را با خطر از هم گسیختگی مواجه می‌سازد. از سوی دیگر اقتصاد شهری نیز هنوز به اندازه کافی برای پذیرش و هضم سیل مهاجران روستایی آمادگی کامل را ندارد؛ و هجوم سریع روستائیان؛ گذشته از فشاری که بر روی تأسیسات و خدمات شهری از قبیل مسکن، آموزش، بهداشت، ترابری، محیط زیست می‌گذارد، متضمن عواقب اجتماعی روانی زیادی است که دامنه و بعد آن به آسانی قابل پیش‌بینی است (ایران محبوب، ۱۳۷۱: ۱۵-۱۴).

در چارچوب موضوع تحقیق جمعیت شهر بوکان در سرشماری ۱۳۶۵ برابر ۶۷۹۳۸ نفر بوده که در سرشماری سال ۱۳۷۵ به ۱۲۰۰۲۰ نفر افزایش یافته و در دوره ۱۳۸۵، بالاترین میزان رشد جمعیت در استان آذربایجان غربی با

۱۵۱۶۸۹ نفر مربوط به شهر بوکان بوده است. درصد بالایی از این افزایش جمعیت شهری به علت مهاجرت‌های روستایی بوده است. که این روند روبه رشد در شهر بوکان منجر به توسعه افسار گسیخته و بی‌رویه شهرنشینی و افول زندگی در نواحی روستایی شده است. از این‌رو بررسی پدیده مهاجرت در روستاهای شهرستان بوکان و خصوصاً حوزه مورد مطالعه یعنی دهستان ایل گورک از دو جهت برای منطقه حائز اهمیت است.

از یک طرف مهاجرت روستائیان به شهر بوکان که از اواسط دهه ۱۳۶۰ ه.ش روند شتابان به خود گرفته، نه تنها اقتصاد روستاهای ناحیه را از نیروی فعال برای ادامه فعالیت‌های تولیدی محروم کرده بلکه منجر به تغییرات کاربری در اراضی کشاورزی گشته و از طرف دیگر چون اقتصاد توسعه‌نیافته شهر بوکان هنوز پتانسیل جذب و ظرفیت کافی برای پذیرش مهاجران روستایی را ندارد، فشار زیادی بر تأسیسات و خدمات شهری وارد نموده است. در این بین نیز تعداد روستاهای با نرخ رشد منفی دهستان در سال ۶۵-۵۵، ۱۷ روستا بوده است. و بر اساس بررسی‌های به عمل آمده پدیده مهاجرت باعث از سکنه خالی شدن ۳ روستای این دهستان از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۸۵ گردیده است. در نتیجه این پدیده باعث شده که نیروهای تولیدی و فعال روستاهای دهستان ایل گورک به نیروهای مصرفی و دارای شغل‌های کاذب در نقاط شهری تبدیل شوند. از این‌رو هدف اصلی از این پژوهش ضمن بررسی عوامل مؤثر در مهاجرت روستائیان دهستان ایل گورک از توابع شهرستان بوکان به شهرها جهت یافتن راه‌حلی برای متعادل‌نمودن حرکات جمعیتی روستاهای مورد مطالعه، تحلیل و بررسی آثار و پیامدهای فضایی اینگونه مهاجرت‌ها در روستاهای مهاجرفرست منطقه می‌باشد. بدین منظور سؤالات و فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود.

- علل اصلی مهاجرفرستی در نواحی روستایی دهستان مورد مطالعه چیست؟
- پیامدهای فضایی ناشی از مهاجرفرستی در منطقه مورد مطالعه چیست؟
- عدم وجود برنامه‌ای در راستای بازسازی زیرساخت‌های بخش تولید منجمله کشاورزی عامل عمده ادامه روند مهاجرت در منطقه مورد مطالعه بوده است.
- کاهش جمعیت جوان سبب کم‌رنگ‌تر شدن نقش تولیدی و تغییر و تبدیل در کاربری‌های اراضی کشاورزی در روستاهای مورد مطالعه شده است.

مبانی و ادبیات نظری

در دهه‌های اخیر عقب‌ماندگی مناطق روستایی کشورهای جهان سوم نسبت به دیگر مناطق سکونتگاهی بیشتر عیان گردیده، که بعضاً این تفاوتها و نابرابریهای درآمدی و شغلی به عنوان عوامل دافعه در محیط‌های روستایی؛ به همراه وجود فرصت‌های شغلی، خدمات، فضای آزاد و دیگر عوامل جاذبه در محیط‌های شهری منجر به مهاجرت روستائیان به سمت این مراکز شده است. بنابراین عدم برخورداری روستائیان از امکانات مورد نیاز آنان برای ایجاد رفاه و فراهم آوردن شرایط زیست- معیشت پایدار در روستاها موجب گسترش فقر، نابرابری شهر و روستا و افزایش شکاف اقتصادی- اجتماعی میان این دو کانون سکونتگاهی می‌گردد؛ که نهایتاً این روند سبب مهاجرت روستائیان به سمت شهرها می‌شود (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۴).

پیرامون مقوله‌ی مهاجرت نظریات زیادی مطرح شده است. بطوری‌که افرادی چون «هانسن» و «مندراس» نسبت به مهاجرت نظر مثبتی دارند و معتقدند مهاجرت حتی اگر به تغییر مکانی هم بینجامد، باز هم صورتی از تحرک

اجتماعی و نشانه پیشرفت است (خباز بهشتی، ۱۳۸۰: ۶۵). مهاجرت با تأثیرپذیری مهاجران از جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از محیط جدید، آثار مهمی بر سیمای ظاهری و همچنین زندگی روزمره افراد دارد که در قالب تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نمود می‌یابد (Berry, 1992: 70). در این میان پاره‌ای دیگر از اندیشمندان مهاجرت بی‌رویه را مردود می‌شمارد و آن را زمینه‌ساز نابودی اجتماعات شهری و روستایی می‌دانند. در این راستا مهاجرت بی‌برنامه از روستا به شهر به یکی از مشکلات مهم در نقاط روستایی و شهری کشور ما تبدیل شده است، چرا که عواقب جبران‌ناپذیر از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به دنبال دارد. نظر به اینکه بیشترین حساسیت در واکنش نسبت به پدیده‌ی مهاجرت به دلیل تصور از پیامدهای منفی و مثبت آن در مبدأ و مقصد مهاجرت‌هاست، چارچوبی نظری برای ارزیابی پیامدهای مهاجرت‌های روستا-شهری ارائه می‌شود.

آثار مهاجرت روستاییان در مبدأ:

روستاها به عنوان مبدأ اصلی مهاجرت‌فرستی در کشورهای جهان بالأخص جهان سوم با یکسری معضلات و مزایایی حاصل از مهاجرت ساکنین خود روبه‌رو می‌شوند. می‌توان گفت علاوه بر اینکه روند مداوم مهاجرت‌فرستی موجب کاهش جمعیت روستاها و مناطق مهاجرت‌فرست می‌شود، ترکیب جمعیت بازمانده‌ی این مناطق را نیز دگرگون می‌سازد و برای افراد ساکن و غیرمهاجر عواقب ناگواری به بار می‌آورد. از جمله تغییراتی که در ترکیب جمعیتی روستاها ایجاد می‌شود، دگرگونی شکل هرم سنی جمعیت است که به دلیل مهاجرت مردان گروه‌های سنی ۱۵ تا ۴۴ سال به شهرها قاعده آن بویژه برای مردان بسیار پهن‌تر می‌شود. از تغییرات دیگر جوان‌تر شدن جمعیت روستا و در نتیجه افزایش نسبت وابستگی و بار اقتصادی خانواده و همچنین افزایش نسبی سالخوردگان در جامعه روستایی است (تقوی، ۱۳۷۱: ۱۰۴-۱۰۳). در چنین وضعیتی با از کار افتادن یا فوت سرپرست خانوارها، دیگر نیروی جایگزین آن نشده و تولید و زراعت رو به نابود شدن می‌رود.

همچنین نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که مهاجرین روستا-شهری افراد عموماً جوان و باسواد و هستند. به عبارت دیگر، جوان و نخبه‌گزين بودن مهاجرت‌های روستایی، از جمله عواملی است که فرایند توسعه‌ی درون‌زا و روند بهبود و در نتیجه شرایط زندگی در روستاها را مختل می‌کند (زاهدی، ۱۳۸۳: ۲۳۹). با توجه به اینکه جوانان بیشتر از هر گروه سنی دیگر تن به مهاجرت می‌دهند، این موضوع در بلندمدت برای جوامع روستایی حائز اهمیت خواهد بود؛ چرا که با مهاجرت آنان، تولید نسل در جوامع روستایی کاهش می‌یابد و به دنبال آن جمعیت پویا در روستاها کاهش می‌یابد و تولید محصول و اقتصاد روستایی نیز کاسته می‌شود. همچنین از نظر اجتماعی و فرهنگی نیز روستاها دچار ایستایی می‌شوند (قاسمی سیانی، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

در این راستا مهاجرت گسترده‌ی مردان جوان به شهرها و برهم خوردن نسبت جنسی در روستاها، موجب کاهش شانس ازدواج دختران شده است، اما این خلأ همراه با ننگ‌های ناشی از عدم ازدواج و خطر پیوستن به خیل مجردان قطعی در جوامع سنتی و بسته‌تر روستایی، این معضل را از اهمیت بیشتری برخوردار می‌کند (نقدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۹). این افزایش سن ازدواج، پیامدهای اجتماعی و روانی بسیاری دارد: بطوری‌که هر چه درصد افراد ازدواج نکرده افزایش یابد، بر درصد افراد مجرد افزوده می‌شود که این پدیده نیز مسائلی مانند انزوا و زندگی حاشیه‌ای را به وجود می‌آورد و روان‌پریشی‌های اجتماعی را تشدید می‌کند (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۹).

معمولاً افرادی که مهاجرت می‌کنند تحصیل کرده بوده و به همراه خود سرمایه‌گذاریهای انجام شده در امر تحصیل را از روستا خارج می‌نمایند. تا وقتی که این مهاجرین به روستا بازگشت نکرده یا پولی به روستا نفرستاده‌اند، این سرمایه‌گذاری، از دست رفته است (فیندلی، ۱۳۷۲: ۱۱۷). مهم‌تر از همه کاهش و پایین آمدن بازده محصولات تولیدی کشاورزی در روستاها به دنبال خالی شدن روستاها از جمعیت فعال و همچنین تبدیل اینگونه اراضی حاصلخیز به زمین‌های غیر قابل کشت از مهم‌ترین معضلات مهاجرت سکنه روستاها می‌باشد. که این کاهش تولید درآمدزایی ضربه هولناکی بر پیکر اقتصاد ملی وارد خواهد آورد. البته در بسیاری از موارد، عدم مهاجرت انسان‌ها سبب رکود و سستی می‌گردد. زیرا تنوع مهارتها و فضاهای مورد نیاز این مهارتها، جابجایی و مهاجرت انسان‌ها را به دنبال دارد. چنانچه این مهاجرتها عملی نگردد، انسانهای دارای مهارتهای ویژه به فضاهای کاری خود راه نیافته و نتیجه آن کارایی کافی از مهارتهای آنها حاصل نمی‌گردد (مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۸۱: ۷۰ - ۶۹). از این رو در بعضی از مواقع مقوله‌ی مهاجرت به نوبه خود می‌تواند مثبت تلقی گردد.

آثار مهاجرت روستاییان در مقصد:

شهرها مردم را به سوی خود جذب می‌کنند، به ویژه شهرهای پویای بزرگ، به مثابه آهن ربا در مقوله‌ی مهاجرت، مردم را به سمت خود می‌کشند (رنه شورت، ۱۳۸۸: ۹۶). روند مهاجرت از روستا به شهر، تأثیرات مثبت و منفی بسیاری را در شهرها به عنوان کانون‌های مقصد مهاجرین به همراه دارد که اولین تأثیر آن در بخش مسکن قابل مشاهده است. با آمدن روستاییان به شهر، تقاضا برای مسکن افزایش یافته که این خود باعث بالا رفتن قیمت زمین و مسکن خواهد شد و در پاره‌ای از موارد نیز به دلیل سکونت روستائیان در نواحی اطراف شهر که قیمت زمین و مسکن در آنجا ارزاتر است پدیده حاشیه‌نشینی و به دنبال آن معضلات خاص این پدیده بروز پیدا می‌کند (لهسائی-زاده، ۱۳۸۳: ۱۰). از طرفی پیامد منفی این نوع مهاجرتها در شهرها را می‌توان به گسترش بخش غیررسمی اقتصاد و افزایش شغل‌های کاذب و کارهای غیرتولیدی چون دست‌فروشی، سیگار فروشی و ... اشاره کرد. با توجه به اینکه جوانان مهاجر از روستا فاقد مهارت هستند، در شهرها نمی‌توانند جذب بازار کار رسمی شوند و بی‌ثباتی شغلی بیشتر مهاجران را تهدید می‌کند (قاسمی سیانی، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

بر عکس آنچه که در روستا اتفاق می‌افتد، مهاجرت از روستا به شهر سبب رشد کمی جمعیت شهرنشین می‌شود. در صورتی که شهر جوابگوی نیازهای شغلی آنان بوده و جذب فعالیتهای انگلی و غیرمجاز نشوند، در اثر افزایش میزان عرضه نیروی کار مفید در شهرها، رشد اقتصادی به همراه رشد اجتماعی پدیدار خواهد شد (پاپلی‌یزدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۱۶). اما در صورتی که شهرها ظرفیت پذیرش نیروی کار وارده را نداشته باشند و قادر به تأمین خدمات عمومی برای جامعه شهری نباشد. بخشهای حاشیه‌ای شهرها از امکانات زیربنایی، بهداشتی و آموزشی محروم می‌مانند و بر میزان مشکلات شهری افزوده می‌شود (مستوفی‌الممالکی، ۱۳۷۶: ۸۴). همچنین مهاجری که به شهر وارد می‌شود به علت نداشتن مهارتهای موردنیاز جامعه شهری جذب کارهای دون پایه می‌گردد. از این جهت کارگر مهاجر که از یک فقر بیرون آمده است، به فقر دیگر وارد می‌گردد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۵۲-۱۵۱).

اشکال گوناگون زیانهای را که مهاجرتها روستایی به شهرها به دنبال دارد را می‌توان در «روستایی شدن شهرها» خلاصه کرد. در این فرایند، جمعیت پراکنده‌ی روستایی در نظام ماقبل سرمایه‌داری در اثر تغییرات ساختاری در

اقتصاد نوظهور سرمایه‌داری در درون و حاشیه شهرها فشرده می‌شوند و موجب نفوذ و رسوخ فقر، فرهنگ، رفتار، زیبایی‌شناسی، شهرسازی، معماری و در یک کلام ایدئولوژی روستایی به شهرها می‌گردد (عظیمی، ۱۳۸۱: ۲۶). همچنین افزایش سریع جمعیت شهری نیز تغییرات مهمی را در ترکیب سنی و جنسی جمعیت به وجود می‌آورد و شهرها را با معضلات ناشی از آن مواجه می‌کند، زیرا هجوم جوانان روستایی به شهرها موجب افزایش سریع جمعیت شهری در گروه سنی جوانان می‌شود و نسبت این گروه به سایر گروه‌ها نامتعادل می‌گردد که مسئله اشتغال، مسکن و غیره را با مشکل مواجه می‌کند (نقدی، ۱۳۸۲: ۱۳۰). البته مهاجرت روستائیان به شهرها مزیت‌هایی نیز دارد. مهم‌ترین مزیت اینگونه مهاجرتها به ویژه در کشورهای درحال توسعه، عرضه نیروی کار ارزان برای بنگاههای تولیدی و خدماتی شهرهاست. به برکت این نیروی کار ارزان، صاحبان این بنگاهها به ارزش افزوده کلانی دست می‌یابند و به یمن دستیابی به این ارزش افزوده، انباشت سرمایه در کانون‌های شهری دوام بیشتری می‌یابد (تقوی، ۱۳۷۱: ۱۰۵-۱۰۷).

روش تحقیق

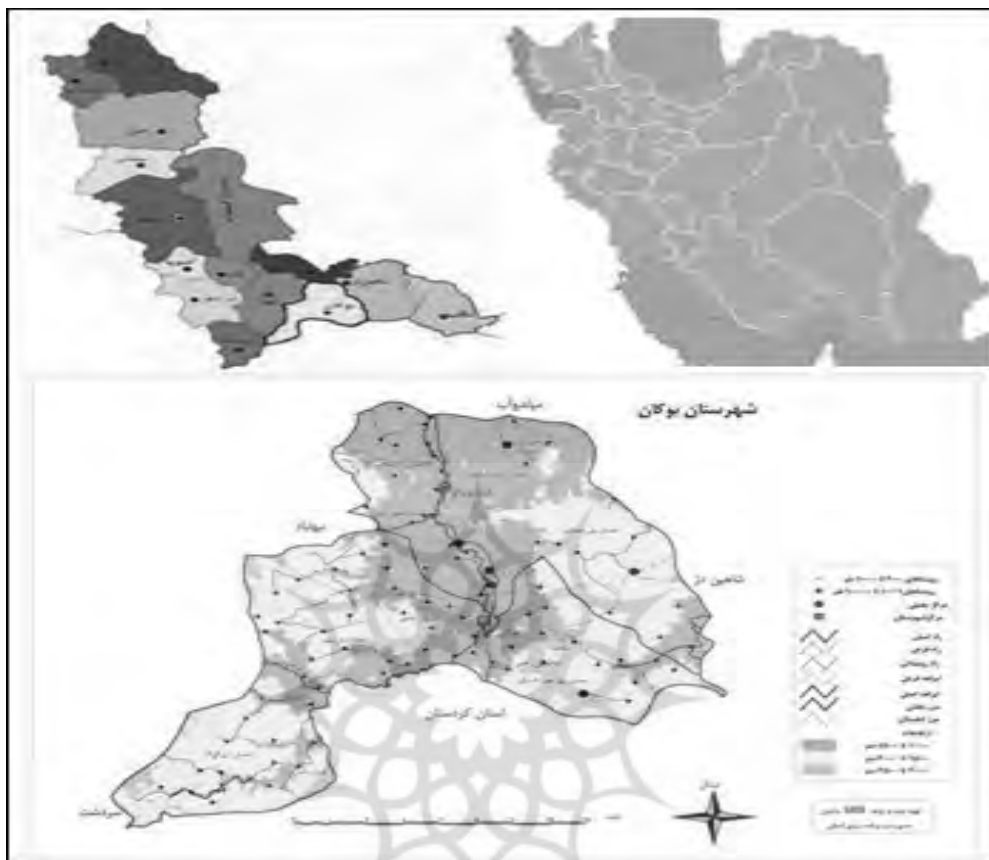
تحقیق در دست بررسی از نوع کاربردی و با نگرش جغرافیای رفتاری و تحلیل سیستمی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از روشهای کتابخانه‌ای و میدانی به صورت مراجعه مستقیم به روستاهای دهستان ایل گورک و همچنین استفاده از پرسشنامه و مصاحبه با جمعیت روستایی ماندگار در روستاها و نیز افراد مهاجر ساکن در نواحی شهری استفاده شده است. در این تحقیق کل خانوارهای مهاجر خارج شده از دهستان جامعه آماری تلقی شده‌اند. بر مبنای برآوردی مشخص گردید که ۳۸۰ خانوار یعنی ۶۳ درصد از کل تعداد ۶۰۰ خانوارهای مهاجر دهستان، مقصد مهاجرتشان شهر بوکان بوده است و بقیه به شهرهای سردشت، سقز، مهاباد و تهران مهاجرت نموده‌اند. (از مجموع ۹۰ خانوار نمونه، تعداد ۷ خانوار معادل ۷/۷ درصد از مهاجرین ساکن شهرستان سردشت، تعداد ۶ خانوار معادل ۶/۷ درصد از کل مهاجرین ساکن شهر سقز و ۲ خانوار ساکن شهر مهاباد و یک خانوار ساکن در یکی از مناطق شهر تهران بوده‌اند).

جهت پی بردن به پیامدهای فضایی مهاجرت روستائیان اقدام به انتخاب نمونه از جامعه آماری شده است و بر این اساس سه روستای قزل گنبد، گلوان سفلی و قروچای علیا که از پایین‌ترین نرخ رشد برخوردار بوده‌اند، انتخاب گردید. در روستاهای نمونه نیز به صورت نمونه‌گیری تصادفی ۹۰ نفر انتخاب شده است. این تعداد نمونه بر حسب صفت جامعه، خانوارهای مهاجر به شهر بوکان و سایر شهرها، در سطح اطمینان ۹۵ درصد اطمینان و ۱ درصد خطای استاندارد تعیین گردید. در نهایت از نرم افزارهای Spss, Excell جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است.

شناخت قلمرو پژوهش

شهرستان بوکان با وسعتی در حدود ۲۵۲۹ کیلومتر مربع، حدود ۶/۵۴ درصد از وسعت استان آذربایجان غربی را در بر دارد. این شهرستان از شمال شرقی با میاندوآب، از شمال و شمال غرب با مهاباد، از غرب با سردشت و از

جنوب با شهرستان سقز همسایه است. از لحاظ تقسیمات سیاسی این شهرستان دارای دو بخش به نام سیمینه و مرکزی و همچنین هفت دهستان و تعداد ۱۸۹ آبادی است. (نقشه شماره ۱).



نقشه شماره ۱، موقعیت سیاسی - جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

منبع: فرمانداری شهرستان بوکان، ۱۳۹۰.

در سال ۱۳۸۵ جمعیت شهرستان از ۱۷۵۵۴۱ تن در سال ۷۵ به ۲۰۴۳۰۸ تن افزایش یافته است. که تعداد ۵۲۶۱۹ نفر معادل با ۲۵ درصد آن در روستاها و ۱۵۱۶۸۹ نفر برابر با ۷۵ درصد از جمعیت شهرستان در شهرها ساکن بوده- اند. محدوده روستایی مورد مطالعه دهستان ایل گورک از توابع بخش مرکزی شهرستان بوکان می باشد. مساحت این دهستان ۴۳۴/۸۸ کیلومتر مربع با ۶۵۱۲ نفر جمعیت در سال ۱۳۸۵ است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱، جمعیت و تحولات آن در روستاهای دهستان ایل گورک در طی دوره‌های ۱۳۸۵-۱۳۴۵

ردیف	نام روستا	جمعیت در سال (نفر)					نرخ رشد (درصد)			
		۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۷۵-۸۵	۶۵-۷۵	۵۵-۶۵	۴۵-۵۵
۱	ابراهیم خسار	۲۳۷	۲۰۵	۱۵۸	۱۹۵	۱۳۴	۲/۰۹	۲/۶۳	-۲/۰۸	۳/۸۲
۲	اسکی بغداد	۳۸۵	۳۳۳	۳۹۴	۴۲۸	۳۶۲	۲/۰۹	-۱/۶۶	-۰/۸۲	۲/۹۰
۳	آغوتمان	۴۷۵	۴۰۳	۳۲۴	۳۰۶	۲۶۱	۱/۶۵	۲/۲۰	۰/۵۷	۱/۶۰
۴	باغ شیخان	-	۲۹	۸۹	۱۱۸	۱۸۵	-	-۱/۰۶	-۲/۸	-۴/۴۰
۵	پیر بهاء	۱۵۷	۱۵۴	۱۶۹	۱۶۱	۱۰۵	۰/۲۷	-۰/۹۳	۰/۴۸	۴/۳۶
۶	ثمبه	۱۲۴	۱۲۶	۱۶۷	۱۸۱	۲۰۴	-۰/۲۲	-۲/۷۷	-۰/۸۰	-۱/۱۹
۷	خورخوره	۴۷۲	۳۹۲	۳۱۱	۴۴۷	۲۴۷	۲/۶۸	۲/۳۴	-۳/۵۶	۶/۱۱
۸	زاویه کوه	۳۵۷	۲۹۶	۲۹۷	۳۲۳	۲۱۰	۲/۸۱	-۰/۰۳	-۰/۸۳	۴/۳۹
۹	زیراندول	۲۵۹	۲۶۳	۲۲۳	۳۰۷	۲۰۶	-۰/۲۱	۱/۶۶	-۳/۱	۴/۰۷
۱۰	کوهستان	۴۷۹	۵۰۲	۴۹۰	۴۴۵	۲۹۲	-۰/۶۶	۰/۲۴	۰/۹۶	۴/۳۰
۱۱	سلامت	۴۴۰	۴۰۱	۳۸۲	۴۴۳	۲۸۰	۱/۳۳	۰/۴۸	-۱/۴۷	۴/۷
۱۲	قالوی رسول	۵۱۴	۴۶۸	۳۹۳	۵۷۳	۵۲۳	۱/۳۸	۱/۷۶	-۳/۷۰	۰/۹۱
۱۳	قالوی شیخان	۱۶۰	۱۶۴	۲۴۴	۳۲۰	۳۲۴	-۰/۳۵	-۳/۹	-۲/۶۷	-۰/۱۲
۱۴	قروچاه سفلی	۳۸۹	۳۹۰	۴۱۵	۳۸۷	۲۴۵	-۰/۳۶	-۰/۶۱	۰/۷۰	۴/۶۷
۱۵	قروچاه علیا	۱۶۲	۲۰۳	۱۸۲	۲۸۷	۳۴۵	-۳/۱۷	۱/۰۹	-۴/۴۵	-۱/۸۲
۱۶	قرزل گنبد	۲۲۰	۲۳۳	۱۸۶	۲۲۲	۱۸۱	-۵/۷۰	-۵/۹۶	-۱/۷۵	۲/۰۶
۱۷	کانی دراز	۲۰۵	۱۹۲	۲۲۳	۳۵۴	۳۲۰	۰/۹۴	-۱/۴۸	-۴/۵	۱/۰۱
۱۸	کوره کانی	۱۹۶	۲۰۳	۱۷۰	۱۷۰	۱۳۵	-۰/۵۰	۱/۷۹	۰	۲/۳۳
۱۹	گلوان سفلی	۴۹۲	۵۲۹	۴۳۷	۶۱۷	۵۴۷	-۱/۰۳	۱/۹۲	-۳۰/۳۹	۱/۲۱
۲۰	گلوان علیا	۲۴۲	۲۳۱	۱۹۴	۲۵۲	۱۹۶	-۰/۶۶	۱/۷۶	-۲/۵۸	۲/۵۴
۲۱	گندمان	۲۱۴	۱۶۲	۲۶۰	۲۸۲	۱۷۹	-۴/۰۵	-۴/۶۲	-۰/۸۰	۴/۶۵
۲۲	موسه	۲۱۶	۱۹۰	۲۰۹	۱۹۶	۱۱۴	۱/۸۵	-۰/۹۵	۰/۶۴	۵/۲
۲۳	گرگه	-	-	۵۸	۱۲۲	۹۰	-	-	-۷/۱۶	۳/۰۶
۲۴	یاغیان	۱۱۳	۱۱۵	۱۱۲	۱۸۰	۱۱۶	-۰/۲۵	۰/۲۶	-۴/۶۳	۴/۴۹
۲۵	قره قاچ	-	-	-	۱۲۶	۱۴۷	-	-	-	-۱/۵۳
	جمع	۶۵۱۲	۶۲۸۳	۶۰۸۷	۷۶۴۳	۵۹۴۸	۰/۵۱	۰/۳۱	-۲/۲۵	۲/۵۳

منبع: مطالعات میدانی بر اساس مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال‌های ۱۳۴۵-۸۵

با توجه به داده‌های جدول بالا می‌توان گفت؛ جمعیت و رشد آن در دوره‌های مورد بررسی، بسته به میزان مساعدت‌های طبیعی چون ریزش‌های جوی، بالارفتن تراکم پوشش مرتعی دارای روند نزولی یا صعودی بوده، به طور کلی در دوره‌های ۴۵، ۵۵، ۶۵ تا ۸۵ می‌توان روند نزولی یا صعودی جمعیت را با کاهش منابع و عدم اجرای برنامه‌ای در راستای بازسازی زیرساختهای بخش تولید در جهت اسکان مجدد جمعیت و یا افزایش منابع و مساعدت‌های طبیعی همسو دانست. به عبارت دیگر کشاورزی پربازده به مدد وجود آب فراوان از عوامل استقرار جمعیت بیشتر در نواحی شمالی و شرقی این دهستان می‌باشد. در حالیکه در نواحی جنوبی دهستان، کمبود اراضی زراعی حاصلخیز و نامرغوب بودن خاک باعث استقرار کم جمعیت در این نواحی شده است.

استقرار و توزیع جمعیت در روستاهای دهستان ایل گورک در طبقات جمعیتی بر حسب نفر به این صورت بوده که در دوره‌های ۷۵-۱۳۴۵ روستاهای طبقه جمعیتی ۱۹۹-۱۰۰ نفر بیشترین تعداد و در سال ۱۳۸۵ روستاهای طبقه جمعیتی ۲۹۹-۲۰۰ نفر بیشترین تعداد روستاها را به خود اختصاص داده‌اند. (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲. توزیع جمعیت روستاهای دهستان ایل گورک در طبقات مختلف جمعیتی بر حسب نفر

سال / طبقات جمعیتی	تعداد روستاها	تعداد روستاها	تعداد روستاها	تعداد روستاها	تعداد روستاها
۱-۹۹	۱	۲	-	-	۱۳۸۵
۱۰۰-۱۹۹	۱۰	۸	۹	۷	۱۳۷۵
۲۰۰-۲۹۹	۸	۶	۴	۶	۱۳۶۵
۳۰۰-۳۹۹	۴	۵	۶	۴	۱۳۵۵
۴۰۰-۴۹۹	-	۳	۴	۳	۱۳۴۵
۵۰۰-۵۹۹	۲	-	۱	۲	۱۳۳۵
۶۰۰-۶۹۹	-	-	۱	-	۱۳۲۵

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵-۱۳۴۵

دهستان ایل گورک در سال ۱۳۴۵ طبق سرشماری انجام گرفته دارای ۵۹۴۸ نفر جمعیت شامل ۷۹۶ خانوار و ۲۵ آبادی بوده، این مقادیر در سال ۱۳۵۵ با نرخ رشدی معادل ۲/۵۳ درصد به ۷۶۴۳ نفر در ۹۷۸ خانوار و ۲۵ آبادی رسید. در دوره ۶۵-۵۵ جمعیت این دهستان روندی کاهشی معادل ۲/۲۵- درصد داشت به نحوی که در سال ۱۳۶۵ جمعیت این دهستان به ۶۰۸۷ نفر در ۲۴ روستا و ۸۰۵ خانوار رسید. از عمده‌ترین عوامل کاهش جمعیت این دهستان در این دوره مهاجرت به دلیل ناامنی مناطق روستایی بوده است. در دوره ۷۵-۶۵ جمعیت این دهستان با نرخ رشد معادل ۰/۳۱ درصد افزایش یافت، به طوری که در سال ۱۳۷۵ جمعیت آن به ۶۲۸۳ نفر افزایش یافت. این تعداد جمعیت در ۸۸۸ خانوار و ۲۳ روستا سکنی گزیده‌اند. ولی همانگونه که ذکر شد در کل جمعیت روستایی این دهستان افزایش یافته که از علل آن می‌توان به بالارفتن زادو ولد و کاهش مرگ و میر در اثر بهبود شاخص‌های بهداشتی در روستاها عنوان نمود. و بالأخره در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ جمعیت دهستان با نرخ رشدی معادل ۰/۵۱ درصد به ۶۵۱۲ نفر و شامل ۸۶۹ خانوار و ۲۲ روستا رسید. آهنگ رشد جمعیت دهستان مورد مطالعه در طی دوره ۸۵-۱۳۴۵، دارای نرخ رشدی برابر ۰/۴ درصد بوده که این مطلب گویای مهاجرت شدید روستایی در طی دوره مذکور بوده است.

یافته‌های پژوهش

انواع مهاجرت‌های روستایی در دهستان ایل گورک:

الف) مهاجرت موقت و دائم: در مهاجرت موقت، مقصد اکثر مهاجران؛ شهر تهران، بوکان و کوره‌های آجرپزی منطقه می‌باشد. این مهاجرت‌ها عموماً به هنگام توقف فعالیت‌های کشاورزی و رکود فعالیت سایر بخش‌های اقتصادی روستا در فصل زمستان صورت می‌گیرد. و با شروع فصل فعالیت‌های کشاورزی، مجدداً به روستا باز می‌گردند. بخش دیگری از مهاجرت‌های موقت دهستان ایل گورک که عموماً جوانان جویای کار هستند بیشتر به شهر بوکان و از آنجا به تهران، جهت انجام کارهای مختلف صورت می‌گیرد. همچنین تعداد خانوارهای مهاجر دائمی که در دهه‌های اخیر این دهستان را برای همیشه به مقصد شهرهای منطقه ترک نموده‌اند، ۶۰۰ خانوار برآورد می‌شود. (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳، تعداد خانوار و درصد خانوارهای مهاجر دائم دهستان ایل گورک در سال ۱۳۸۵

مقصد مهاجرت	بوکان	سردشت	سقز	مهاباد	رباط کریم	جمع
خانوار مهاجران به عدد	۷۵	۷	۶	۱	۱	۹۰
درصد	۸۳/۳	۷/۷۷	۶/۷	۱/۱۱	۱/۱۱	۱۰۰

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵

علل مهاجرت روستائیان:

عوامل طبیعی و اقتصادی-اجتماعی فراوانی در مهاجرت روستائیان منطقه به دیگر شهرها دخیل بوده‌اند، که هر کدام به ترتیب زیر شرح داده می‌شود (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴، عوامل عمده اقتصادی-اجتماعی مهاجرت در روستاهای دهستان ایل گورک

عوامل اجتماعی-فرهنگی		عوامل اقتصادی					عوامل عمده مهاجرت	
جمع	سایر عوامل	درگیری و نامنی	تحصیلات	امکانات بیشتر در شهر	بیکاری در روستا	کمبود درآمد در روستا		ضرورت شغلی امکان دست یابی به شغل بهتر
۹۰	۴	۷	۹	۱۱	۵	۱۱	۴۳	سرپرست خانوار
۱۰۰	۴/۴۲	۷/۸	۱۰	۱۲/۲۳	۵/۵۵	۱۲/۲۲	۴۷/۷۸	درصد
۹۰	۳۱					۵۹		تعداد کل
۱۰۰	۳۴/۴۴					۶۵/۵۶		درصد

منبع: یافته‌های پژوهش

عوامل طبیعی: قسمت اعظم وسعت دهستان ایل گورک را نواحی کوهستانی و شیب‌دار تشکیل می‌دهد. ارتفاع این منطقه بیش از ۱۵۰۰ متر از سطح دریاست. از آنجایی که در نواحی کوهستانی، خاک و زمین کافی وجود ندارد و کشاورزی با مشکلات فراوانی روبرو است؛ لذا گروه کثیری از ساکنان این دهستان را به مهاجرت واداشته است. همچنین با توجه به عامل ارتفاع و ناهمواری و تأثیر آن بر آب و هوا، قسمت‌های کوهستانی دارای آب و هوای سرد و طولانی بوده که بارش آن اغلب به صورت برف است. طول روزهای یخبندان در این دهستان ۱۳۱ روز در سال است. اقلیم سرد محدودیت تنوع کشت را سبب شده و اغلب میوه‌جات و صیفی جات این منطقه در هنگامی به بازار عرضه می‌شوند که در پایین‌ترین سطح قیمت هستند. عوامل فوق سبب مهاجرت افراد دهستان به شهرها می‌شود.

عوامل اقتصادی

تأثیر عوامل اقتصادی در مهاجرت روستائیان دهستان ایل گورک، از سایر عوامل بیشتر بوده است. بطوری‌که از تعداد ۹۰ خانوار جامعه نمونه مهاجران، تعداد ۵۹ خانوار معادل ۶۵/۵۶ درصد، دلیل اصلی مهاجرت خود را عوامل اقتصادی ذکر کرده‌اند. که شامل موارد ذیل می‌شود.

الف) امکان دسترسی به شغل بهتر: عوامل متعددی در کمبود اشتغال رو به تزاید روستاهای دهستان ایل گورک دخالت دارند که افزایش جمعیت، کاهش سرانه اراضی و ورود تکنولوژی جدید به روستاها از آنجمله محسوب می‌شود. از مجموع ۵۹ خانوار مهاجر که عامل اقتصادی را علت مهاجرت خود دانسته‌اند، تعداد ۴۳ خانوار که معادل ۴۷/۷۸ درصد از کل مهاجرین جامعه نمونه می‌باشند امکان دستیابی به شغل را علت مهاجرت خود و ترک روستا دانسته‌اند.

ب) کمبود درآمد و منابع آن در روستا: فقر دیرین جامعه روستایی ایل گورک، همراه با افزایش جمعیت در بسیاری از روستاهای این دهستان و به تبع آن کاهش سرانه اراضی و وابستگی مصرفی جامعه روستایی دهستان، از جمله عوامل متعددی است که به طور روزافزون درآمد روستاییان ساکن این دهستان را کاهش داده است. بر اساس اطلاعات کسب شده از تعداد ۵۹ خانوار که به دلیل اقتصادی مهاجرت کرده‌اند، تعداد ۱۱ خانوار معادل ۱۲/۲۲ درصد کل مهاجرین، دلیل اصلی مهاجرت خود را کمبود درآمد در روستا عنوان نموده‌اند. همچنین بر اساس اطلاعات کسب شده، از مجموع ۵۹ خانوار تعداد ۵ خانوار معادل ۵/۵ درصد از جامعه نمونه به دلیل نبود کار و بیکاری روستای زادگاه خود را ترک کرده‌اند.

عوامل اجتماعی - فرهنگی

پس از عوامل اقتصادی، دومین عامل عمده در مهاجرت‌های روستاییان دهستان ایل گورک، عوامل اجتماعی - فرهنگی ذکر شده است. این عوامل شامل کمبود امکانات آموزشی، امکانات رفاهی بیشتر در شهر، ازدواج، طلاق و جنگ می‌باشد. بر اساس اطلاعات کسب شده از مجموع ۹۰ خانوار جامعه نمونه مهاجر، تعداد ۳۱ خانوار معادل ۳۴/۳۴ درصد از کل مهاجرین، دلیل عمده مهاجرتشان را عوامل اجتماعی - فرهنگی ذکر نموده‌اند. که این عوامل به ترتیب عبارتند از:

الف) وجود امکانات و خدمات رفاهی در شهر و کمبود اینگونه امکانات در روستاها: از مجموع ۲۲ روستای این دهستان، ۱۷ روستا فاقد خانه بهداشت و دسترسی آسان به خدمات بهداشتی و درمانی حتی در سطح بسیار پایین از نظر کیفیت می‌باشند. بر اساس اطلاعات میدانی از مجموع ۳۱ خانوار جامعه نمونه معادل ۱۲/۲۳ درصد از کل جامعه نمونه (۳۵ درصد از کل خانوارهایی که عوامل اجتماعی - فرهنگی را عامل اصلی ترک روستا اعلام نموده‌اند)، علت مهاجرت خود را، کافی نبودن امکانات و خدمات رفاهی در روستا عنوان کرده‌اند. همچنین اکثر روستاهایی که علت مهاجرت آنها وجود امکانات و خدمات رفاهی در شهرها ذکر گردیده، عمدتاً شامل روستاهایی می‌شود، که کمترین بعد فاصله از شهر را نسبت به سایر روستاهای دهستان دارا بوده‌اند. در نتیجه ارتباطات و آمد و شد به شهر نقش مهمی در شناسایی جاذبه‌های شهر برای روستاییان داشته و همین عامل در تشخیص نابرابری امکانات نواحی روستایی و شهری نقش عمده‌ای داشته است. از آنجا که خدمات آموزشی موجود در روستاهای دهستان فقط در مقاطع ابتدایی در تمام روستاها و در مقطع راهنمایی تحصیلی نیز فقط در ۸ روستا ارائه می‌شود و مقاطع تحصیلی بالاتر در هیچ یک از روستاهای این دهستان موجود نمی‌باشد در نتیجه افراد برای تحصیل فرزندان خود مهاجرت نموده‌اند. بدین‌منوال از مجموع ۳۱ سرپرست خانوار جامعه نمونه، تعداد ۹ خانوار معادل ۱۰ درصد علت مهاجرت خود را ادامه تحصیل خود و یا افراد تحت پوشش خود ذکر نموده‌اند.

ب) درگیری و ناامنی: از مجموع ۳۱ خانوار مهاجر، تعداد ۷ خانوار معادل ۷/۷۷ درصد کل مهاجرین علت اصلی مهاجرت خود را درگیری و ناامنی مناطق روستایی ذکر کرده‌اند. همچنین عوامل اجتماعی مثل ازدواج انفر، وجود اقوام و خویشان ۲ نفر و امام جماعت شدن یکی از مساجد شهر از دیگر دلایل اجتماعی مهاجرت روستاییان دهستان بیان شده است.

مقایسه درآمد و روند مهاجرفرستی روستاهای دهستان ایل گورک

بررسی فعالیت‌های درآمدزای ساکنان روستاهای دهستان ایل گورک نشان می‌دهد که از بین روستاهای این دهستان بالاترین درآمد کسب شده کل روستا، به روستای آغوتمان تعلق داشته و کمترین میزان درآمدزایی یک روستا، به روستای یاغیان تعلق داشته است. بررسی مقایسه درآمدهای اخذ شده ساکنان روستا و مهاجرفرستی نشان می‌دهد، هر چه درآمدهای کل روستا بیشتر باشد، درصد مهاجرفرستی خانوار روستا کمتر خواهد بود و به بالعکس. مثلاً در حالی که پایین‌ترین درآمدهای کسب شده در میان روستاهای دهستان ایل گورک به روستاهای کانی‌دراز، گندمان و موسه تعلق دارد این روستاها بالاترین درصد خانوارهای مهاجر را نسبت به کل خانوارهای روستا با رقم ۳۹/۲۸ و ۳۶ و ۳۴/۶۱ درصد، در میان کلیه روستاهای این دهستان دارا هستند. همچنین پایین‌ترین درصد خانوارهای مهاجر روستا به کل خانوارهای روستا، به روستاهای آغوتمان، پیربهالدین و گلوان سفلی تعلق دارد در حالیکه این روستاها از درآمدزایی بالایی نسبت به سایر روستاهای این دهستان برخوردارند.

بر اساس اطلاعات بدست آمده، از ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پایین بودن درآمدهای کل روستا و درصد خانوارهای مهاجر نسبت به کل خانوارهای روستا، چون سطح معنی‌داری بدست آمده کمتر از ۵/۰ می‌باشد به احتمال ۹۹ درصد (با احتمال ۱ درصد خطا) می‌توان قضاوت کرد که بین متغیرهای ما رابطه کاملاً معناداری وجود دارد. پس روستاهایی که از شدت مهاجرفرستی بیشتری برخوردارند دارای درآمد سرانه خانوار کمتری بوده‌اند (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵، ضریب همبستگی بین متغیرهای درآمد روستاییان و درصد خانوارهای مهاجر در دهستان ایل گورک

درآمد کل روستا	درصد خانوارهای روستایی مهاجر نسبت به کل خانوارهای روستا
ضریب همبستگی پیرسون	-0745
سطح معناداری	0/000
تعداد	۲۲

پیامدهای فضایی مهاجرت

پیامدهای جمعیتی

الف) با توجه به هرم سنی روستاهای مورد بررسی می‌توان گفت: که گروه‌های سنی مهاجر ۱۵ تا ۳۴ ساله بیشترین شمار مهاجران را به خود اختصاص داده‌اند. یعنی عملاً نیرویی که قدرت سازندگی و تغییر و تحول را دارد، از دهستان خارج شده‌اند.

ب) با توجه به نسبت جنسی در گروه‌های ۰ تا ۱۴ ساله برابر با ۱۱۰/۶ درصد، گروه سنی ۱۴ تا ۶۵ ساله برابر با ۹۹/۳ درصد و گروه سنی ۶۵ ساله به بالا برابر با ۱۰۷/۲ درصد است. و نیز با توجه به بررسی روند جمعیت دهستان در گروه سنی ۱۵ تا ۶۵ ساله با کاهش نسبت جنس مردان نسبت به زنان در نواحی روستایی دهستان روبه‌رو هستیم. که این کاهش نسبت جنسی ترکیب جنسی را به هم زده و در میزان مرگ و میر و باروری اثر می‌گذارد.

ج) کمبود جمعیت و تخلیه روستاها در دهستان ایل گورک باعث به خطر افتادن امنیت و موجب ناامنی و کاهش انسجام اجتماعی بین روستاییان شده است.

پیامدهای کالبدی

الف) با خروج مهاجران از روستا، نیروی کار در روستا کاهش می‌یابد و کم‌کم با خالی‌شدن روستاها، از نظر کالبدی یک بافت دوگانه در سطح روستاهای این دهستان پدید می‌آید. خانه‌های متروکه در کنار خانه‌هایی که هنوز زندگی در آنها جریان دارد، بافت دو گانه‌ای را در روستا به وجود می‌آورد. بر اساس اطلاعات پرسشنامه ۹۳/۳۳ درصد از جامعه نمونه معتقد به متروکه و رهاشدن خانه‌ها در اثر مهاجرت روستاییان بوده‌اند.

ب) در بسیاری از موارد در اثر از دست رفتن شاغلین مؤثر، کشاورزان مجبور به تغییر نوع کشت می‌شوند. کشاورزان این دهستان که بر اثر مهاجرت شاغلین خانواده خود، نیروی کار کمی دارند، ناچار به چنین تغییراتی در کشت و کار خود می‌باشند. این امر علاوه بر کاستن از تنوع محصول، باعث از دست رفتن منابع غذایی خاک و در نتیجه فرسایش و فقر خاک می‌گردد.

پیامدهای اقتصادی

الف) در روستاهای مورد مطالعه هر نفر شاغل باید علاوه بر خود، مخارج بیش از دو نفر را نیز تأمین کند. بنابراین مهاجرت عده‌ای از نیروی شاغل باعث افزایش فشار به نیروی شاغل باقی مانده خواهد شد و به یک جامعه مصرف کننده تبدیل می‌شود.

ب) کاهش افراد شاغل در بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۵ از ۸۹/۵ درصد به ۸۸/۳۸ درصد در سال ۱۳۷۵ نشان از کاهش افراد شاغل و از دست دادن نیروی فعال و جوان در بخش کشاورزی دارد.

ج) تقلیل جمعیت روستایی دهستان در اثر مهاجرت به نوبه خود موجب افزایش هزینه‌های بعضی از خدمات شده، تا جایی که از نظر اقتصادی، خدمات‌رسانی به آنها مقرون به صرفه نمی‌باشد؛ مثلاً کمبود تعداد دانش‌آموز در این دهستان ضرورت ایجاد مدرسه را منتفی می‌کند.

د) مهاجرت روستاییان موجب تغییر ساختار اشتغال و مناصب اجتماعی خواهد گشت و دگرگونی‌های مهمی در قشربندی روستاها ایجاد کرده. در این مورد می‌توان به کاهش کارگران روستایی و افزایش قشر خرده‌مالکان و ازدیاد نسبی سوداگران مانند مغازه‌داران به عنوان نمونه یاد کرد. لذا با کاهش کارگران روستایی دست مزد کارگران در روستا افزایش پیدا می‌کند. بنحوی که ۸۳/۳۳ درصد از جامعه نمونه معتقد به گران‌شدن نیروی کار در روستاهای دهستان به علت خارج شدن نیروی جوان و فعال در روستاها بوده‌اند.

ه) با بازگشت مهاجران فصلی این دهستان به روستا؛ روستاییان از تخصص و مهارت آنان منتفع می‌گردند و از آگاهی‌های اجتماعی و معلومات آنها بهره‌مند می‌گردند و همچنین با ارسال پول‌هایی که مهاجران فصلی به روستا بر می‌گردانند، می‌توان وسایل زندگی و ابزار کار به روستا وارد نموده و سطح زندگی را بالا برده که این هم به نوبه خود پیامد اجتماعی را به بار خواهد آورد.

و) در این دهستان بسیاری از مهاجرین پیش از رفتن به شهرها، اموال خود از قبیل مسکن، زمین کشاورزی، چاه، آب و دام را به فروش می‌رسانند. در این فرایند علاوه بر اینکه ارزش معنوی مایملک اشخاص از دستشان می‌رود، مقداری از سرمایه‌های نقدی روستا نیز توسط آنها خارج شده و به شهر انتقال می‌یابد. در نتیجه میزان سرمایه‌گذاری

در روستاهای این دهستان کاهش می‌یابد و با کاهش سرمایه‌گذاری، فعالیتهای تولیدی و خدماتی با رکود مواجه شده و نهایتاً افراد باقی مانده در روستا با فقر و تنگ دستی مواجه می‌شوند و این مسأله روند مهاجرت را تشدید می‌کند. بر این اساس ۸۰ درصد از مهاجران دام‌هایشان را فروخته و ۵۰ درصد از مهاجران دهستان نیز زمین‌هایشان را قبل از مهاجرت به شهرها فروخته‌اند.

پیامدهای اجتماعی - فرهنگی

الف) از آنجایی که ارتباط روستایان مهاجرت کرده به شهر، با روستا و بستگان خود قطع نمی‌شود، می‌توان این افراد را به مثابه پلی میان فرهنگ شهری و فرهنگ روستایی در نظر گرفت. در اثر استمرار رفت و آمد میان روستاییان مهاجر با بستگان خود، زندگی مدون شهری، رفته‌رفته به روستاییان معرفی می‌شود. در پی چنین ارتباطی، استفاده از تجلیات زندگی روزمره شهری مانند رادیو، تلویزیون، کامپیوتر و ... روستاییان باب خواهد شد. بر این اساس ۷۰ درصد از جامعه نمونه معتقد به استفاده از وسایل شهری در اثر ارتباط افراد مهاجر با روستا و بستگان، بوده‌اند.

ب) یکی از مهم‌ترین صورت‌های اجتماعی مسایل اعتقادی به ویژه در مورد زنان و جوانان می‌باشد. استفاده زنان روستا از پوشش رایج شهری و یا برخورداری از حقوق شهروندی زنان، در فرهنگهای روستایی تعریف نشده است. قطعاً شکستن فضاهای فرهنگی روستایی جهت رسیدن به حقوق اجتماعی شهری، باعث ایجاد تنش‌ها و نابهنجاری‌های بسیاری در محیط آرام و سنتی روستا خواهد شد. علاقه جوانان روستا به زیستن همچون جوانان شهری، می‌تواند آنها را از انجام امور محوله جامعه روستایی بازداشته و به ورطه‌ی سردرگمی بیفکند. بطوری‌که ۸۳/۳۳ درصد از جامعه نمونه معتقد به تغییر در پوشش زنان و مردان در اثر ارتباط افراد مهاجر با روستا بوده‌اند.

ج) اکثر مهاجرین، از قشر با سواد روستا هستند که به واسطه ترک موطن توسط این افراد، میانگین سطح سواد بازماندگان پایین می‌آید بطوری‌که ۷۶ درصد از جامعه نمونه معتقد به کاهش سطح سواد در اثر مهاجرت افراد با سواد از روستاها بوده‌اند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

آزمون فرضیه اول

در ابعاد کلان، مسایل و مشکلات زیرساختی مربوط به بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات به عنوان اصلی‌ترین عامل مهاجرت در منطقه مطرح می‌باشد. به عبارت دیگر عدم وجود برنامه‌ای در راستای توسعه و بازسازی زیرساخت‌های بخش تولید در جهت اسکان مجدد جمعیت در دهستان مورد مطالعه از اهم عوامل مؤثر در مهاجرت روستاییان ناحیه است، که این عوامل عبارتند از:

- کمبود سرمایه دولتی و خصوصی کافی به منظور سرمایه‌گذاری در ناحیه؛
- نبود بندهای انحرافی و ذخیره‌ای و روش‌های آبیاری مدرن، (به گونه‌ای که کانال‌های خاکی روباز و کمبود ابزار و تجهیزات هر سال حجم زیادی از آب موجود در سطح روستاهای این دهستان را هدر می‌دهد)؛
- عدم آشنایی کشاورزان با فنون و روش‌های نوین تولید در بخش کشاورزی؛
- کوچک بودن اراضی مزروعی، کمبودن سرانه اراضی و پراکنده بودن اراضی قابل کشت؛

- بیمه نبودن تمام محصولات کشاورزی اعم از زراعی، باغی و دامی؛
- آسان نبودن قابلیت دسترسی به مراکز دامپزشکی به دلیل شبکه ارتباطی نامناسب؛
- سستی بودن شیوه های کاشت، داشت و برداشت محصولات زراعی و باغی؛
- نبود صنایع تبدیلی و تکمیلی و نیز صنایع فرآوری محصولات کشاورزی؛
- عدم حمایت از صنایع دستی از طریق نهادهای مربوطه؛
- نبود و پایین بودن کیفیت امکانات آموزشی جهت ادامه تحصیل به ویژه در مقاطع بالاتر؛
- کمبود خانه بهداشت و امکانات درمانی در روستاهای دهستان؛
- کیفیت پایین راههای ارتباطی؛
- کمبود امکانات و خدمات فرهنگی - اجتماعی مورد نیاز جوانان در دهستان.

با توجه به مشکلات فوق الذکر و بسیاری از مسایل پنهان و آشکار دیگر در ناحیه، تهیه و اجرای برنامه‌ای هدفمند نظیر برنامه‌ی «توسعه پایدار» در روستاهای دهستان برای حل مشکلات روستائیان و نیز جلوگیری از مهاجرت ساکنین روستاها و به تبع جذب جمعیت در روستاها لازم می‌آید. لذا فرضیه اول اثبات می‌گردد.

آزمون فرضیه دوم:

همانگونه که در پیش اشاره شد روستاییان به دلیل کمبود نیروی انسانی از روی ناچاری به جای پرداختن به تولید محصولات کشاورزی پردرآمدی همچون چغندر قند، سیب زمینی و نخود رو به تولید محصولاتی همچون گندم و جو نیاز که به نیروی انسانی بالایی ندارند و علاوه بر آن دارای درآمد چندانی نیستند، آورده‌اند. در این راستا آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد که در طی نزدیک به دو دهه شاهد روند معکوسی در تولید محصولات پر درآمد و اینکه نیاز به نیروی کار چندانی ندارند، هستیم. که این هم به نوبه خود سبب کاهش درآمد خانوار و در نهایت درآمد کل روستا و بالطبع مهاجرت افراد خواهد شد (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶، ضریب همبستگی پیرسون بین درآمدهای کل روستا و درصد خانوارهای روستایی مهاجر نسبت به کل خانوارهای روستا

درآمد کل روستا	درصد خانوارهای روستایی مهاجر نسبت به کل خانوارهای روستا
ضریب همبستگی پیرسون	-0745
سطح معناداری	0/000
تعداد	۲۲

همچنین بر اساس اطلاعات کسب شده از پرسشنامه‌های خانوارهای مهاجر، در بررسی عواملی که باعث مهاجرت شده‌اند، از مجموع ۹۰ خانوار جامعه نمونه مهاجر، کمبود درآمد با ۱۱ خانوار که معادل ۱۲/۲۲ درصد کل مهاجران می‌باشند در مرتبه دوم عوامل مؤثر در مهاجرت‌های این دهستان قرار دارد. بر اساس اطلاعات بدست آمده از ضریب همبستگی پیرسون، بین متغیرهای بالابودن درآمدهای کل روستا و درصد خانوارهای مهاجر نسبت به کل خانوارهای روستا، چون سطح معنی‌داری بدست آمده کمتر از ۰.۵٪ می‌باشد. با احتمال ۹۹ درصد می‌توان نوشت که بین متغیرهای ما رابطه کاملاً معناداری وجود دارد. بنابراین وجود رابطه بین این دو متغیر تأیید می‌شود. بدین ترتیب کاهش جمعیت جوان سبب کمرنگ شدن نقش تولیدی و تغییر و تبدیل در کاربری‌های اراضی کشاورزی در

روستاهای دهستان ایل گورک شده است. که این سبب کاهش درآمد و بالطبع مهاجرت فصلی و دائمی روستاییان می‌شود. پس فرضیه دوم نیز اثبات می‌شود.

نتیجه‌گیری

تحقیقات میدانی پیرامون روند مهاجرت روستاییان به شهرهای کشورمان نشان می‌دهد که شرایط کلی حاکم بر این روند تا حدودی در مناطق مختلف کشور یکسان عمل کرده است. اما در ناحیه مورد مطالعه دلایل خاص دیگری نظیر همجواری استان آذربایجان غربی به کشور عراق و تأثیرات ناشی از جنگ تحمیلی و بویژه ناامنی چندین ساله منطقه که از سال ۱۳۵۸ شروع و تا سال ۱۳۶۵ ادامه داشته و سبب شده که در طی دوره‌های ۶۵-۵۵ شاهد مهاجرت-های گسترده روستاییان، به خصوص از روستاهای مورد مطالعه به شهر بوکان باشیم. کمبود درآمد روستاییان از کار کشاورزی و درآمد در مقایسه با هزینه‌های جاری خانوار و بالأخره بالابودن دستمزد کارگران در شهر، به خصوص که خانه‌سازی و کارهای ساختمانی در شهر بوکان از رونق قابل توجهی برخوردار بود و جاذبه‌های دیگری که در شهر بوکان وجود داشت، مثل انواع فروشندگی و کسب و کار سرپایی یا خرید و فروش دام یا تولیدات کشاورزی که موجب شده از طرفی نیروی جوان و کارآمد روستاها چشم به شهر بوکان دوخته و پس از یافتن کاری در شهر، مهاجرت از روستا به شهر انجام شود و از طرف دیگر، آن دسته از روستاییانی که وضع مالی خوب برخوردارند، در شهر بوکان به سرمایه‌گذاری در امر مسکن و یا تجارت بپردازند و در نتیجه حرکت نیروی کار و سرمایه، از روستاها به شهر بوکان موجب شد که هم از تولیدات کشاورزی و روستایی کاسته شود و هم توان عمرانی روستاییان تقلیل یابد و این مسأله در آینده توان ماندگاری در روستا را از تعداد بیشتری از روستاییان از بین خواهد برد.

در این راستا مهاجرت فرستی نواحی روستایی، جمعیت ساکن روستاها را کاهش داده و در مقابل سبب شلوغی و افزایش جمعیت شهری بوکان شده و در بیشتر روستاهای دهستان که جمعیت پراکنده و کمی دارد بافت جمعیت را به هم زده است. همچنین مهاجرت افراد در سنین کار، جمعیت روستاهای دهستان ایل گورک را به صورت دو قطبی درآورده است. که در یک قطب آن جمعیت مسن و در قطب دیگر جمعیت بسیار کم سن و غیر مولد قرار گرفته است. این کاهش نیرویهای مولد در روستاها در گذر زمان سبب تغییر در الگوی کشت، پایین آمدن راندمان تولید، درآمدزایی و به تبع افزایش نسبی فقر در روستاهای دهستان گردیده است. به لحاظ اجتماعی- فرهنگی نیز مهاجرین وارد شده به روستاها با خود ضمن ورود تکنولوژی‌های نوین و کالاهای مصرفی، با ترویج انواع پوشش‌ها، ارزش‌ها و الگوهای هنجاری ناهمخوان با فضای سنتی روستاها موجب تغییر و دوگانگی نسبی در فضای رفتاری- ارزشی روستاییان و به هم زدن بافت سنتی روستاهای دهستان شده‌اند.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۰). «مهاجرت‌های روستایی و علل و پیامدهای آن، نمونه: استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۰، مشهد، صص ۱۶۸-۱۴۳.
- ایران محبوب، جلیل (۱۳۷۱). مهاجرت یک فرایند گزینشی، ماهنامه جهاد، سال دهم، شماره ۱۲۶. تهران.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۶۸). مهاجرت در کشورهای جهان سوم، مجله ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۲، شماره های ۳ و ۴.

- پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجبی سناجردی (۱۳۸۲). **نظریه‌های شهر و پیرامون**، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
- تقوی، نعمت‌اله (۱۳۷۱). **درآمدی بر مهاجرت‌های روستا- شهری**، انتشارات ستوده، چاپ اول، تبریز.
- جوان، جعفر (۱۳۸۰). **جغرافیای جمعیت ایران**، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، مشهد.
- خباز بهشتی، زهرا (۱۳۸۱). **مهاجرت: بررسی مشکلات مهاجران در جهان**، انتشارات آشیانه کتاب، تهران.
- رنه شورت، جان (۱۳۸۸). **نظریه شهری ارزیابی انتقادی**، ترجمه کرامت‌اله زیاری و دیگران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- رمضانیان، محمد (۱۳۸۰). «سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران، دلایل و پیامدها»، **فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه**، شماره ۳۶، تهران، صص ۲۳۵-۲۰۷.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۳). **مسائل جامعه شناختی اجتماعات روستایی در ایران**، در مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، انتشارات آگاه، چاپ اول، تهران، صص ۲۳۰-۲۶۶.
- زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۸۰). **تحول جمعیتی و پیامدهای مسئله آفرین آن**، **مجله نامه انجمن جامعه شناسی ایران**، ویژه نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، تهران، صص ۲۲-۱۱.
- سجادی، ژیلا و علی شمس‌الدینی (بهار ۱۳۹۰). «تحلیلی بر مهاجرت‌های روستایی- شهری با تأکید بر نقش مسافت و دسترسی (مورد: شهرستان ممسنی)»، **فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال دوم، شماره ۸، اصفهان، صص ۹۴-۷۷.
- شمس‌الدینی، علی و پروین گرجیان (تابستان ۱۳۸۹). **عوامل مؤثر در مهاجرت روستاییان به شهرها**، با تأکید بر شبکه مهاجرت (مورد: دهستان رستم دو)، **فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی**، شماره ۱۱، صص ۱۰۷-۸۷.
- عظیمی، ناصر (۱۳۸۱). **مهاجرت از روستا به شهر نگاهی متفاوت**، **مجله مدیریت شهری**، سال ۳، شماره ۱۰.
- فیندلی، سلی (۱۳۷۲). **برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی**، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، انتشارات نوید، چاپ اول، شیراز.
- قاسمی سیانی، محمد (بهار و تابستان ۱۳۸۸). **پیامدهای مهاجرت روستا- شهری نسل جوان روستایی**، نشریه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره دوم، تهران، صص ۱۶۵-۱۴۵.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (مرداد ۱۳۸۳): **به هم گسیختگی مهاجرت در ایران**، روزنامه ایران، سال دهم، شماره ۲۸۵۹، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵). **سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبادی‌های شهرستان بوکان**، تهران.
- مطیعی‌لنگرودی، حسن (۱۳۸۱). **جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی)**، انتشارات جهاد دانشگاهی، ویرایش دوم، چاپ اول، مشهد.
- مستوفی‌الممالکی، رضا (۱۳۷۶). «**تحلیل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر در پیدایش و روند مهاجرت‌های روستایی به نقاط شهری کشور از سال ۱۳۴۰ تاکنون و عواقب آن**»، **تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۴۷، مشهد.
- نقدی، اسداله و اسماعیل بلالی (پاییز و زمستان ۱۳۸۹). **مسأله اجتماعی خاموش و نامرئی: کاهش شانس ازدواج برای دختران روستایی (با تأکید بر یافته‌هایی از نقاط روستایی همدان)**، **نشریه توسعه روستایی**، دوره دوم، شماره ۲، تهران، صص ۹۴-۷۷.
- نقدی، اسدالله (۱۳۸۲). **طرح بررسی اشتغال و نیازهای دختران روستایی همدان**، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان.
- Berry, J.W.(1992) "Acculturation And Adaptation in a New society " **International Migration, 30 (special Issue: Migration) and Health in the 1990s:69-86.**

[http:// www.sci.org. ir.](http://www.sci.org.ir)

[http:// www.bookan-ag.ir.](http:// www.bookan-ag.ir)

